

سوریه، استثنای تحمل نا پذیر

سرمقاله لوموند - برگردان : سیامند

در سوریه، اگر اصطلاح مورد استفاده‌ی سازمان دیده‌بان حقوق بشر را تکرار کنیم، سرکوب به «قتل عام» تبدیل شده است. شمار کشته‌گان به صدها تن رسیده و مجروحین، هزارانند. رژیم پرزیدنت بشارالاسد، که از یک ماه و نیم پیش با جنبش انقلابی بزرگ عربی روبرو شده، با خشونت به پاسخ‌گویی برخاسته است. و از مصونیتی بین‌المللی که پیش از او نه حسنی مبارک مصری، نه معمر قذافی لیبیایی، و نه حتی بن علی تونسسی از آن برخوردار بوده‌اند، سود می‌برد... یک استثنای عجیب سوری در این جا حکمفرماست.

دوشنبه ۲۵ آوریل، «اوج» چهار روز سرکوب خونین در سراسر کشور، رژیم تانک و پیاده نظام فرستاد تا ساکنان شهر کوچک درعا را تنبیهی سخت و سنگین کنند. شهری واقع شده در منتهی‌الیه جنوب کشور؛ از آنجا که درعا اولین شهری بود که حکومت را به چالش طلبید، «هزینه‌اش را می‌پردازد».

معدود گزارشات رسیده از کشوری غیرقابل دسترسی برای مطبوعات [بین‌المللی] خبر از صحنه‌های ترور و وحشت می‌دهد. جریان برق و تلفن قطع شده‌اند. ابری سنگین و ضخیم مرکز شهر، جایی که صدای انفجاراتی سنگین به گوش رسیده، را پوشانده است.

شاید بشارالاسد تصمیم گرفته با درهم شکستن نا فرمانی «نمونه» ای از درعا برای دیگران درست کند، به همان روشی که پدرش برای مهار و متوقف کردن عصیانی که پیش از آن شروع شده بود، شهر حما را در فوریه‌ی ۱۹۸۲ به خاک و خون کشید - با هزاران کشته - .

هجوم به درعا در پی حمام خون روز جمعه ۲۲ آوریل رخ می‌دهد. در این روز، در زمان خروج از [مراسم] نماز تظاهرات در عمده شهرهای کشور ده‌ها هزار تظاهر کننده ی صلح جو را گرد آورد. نیروهای مسلح لباس شخصی و نظامیان، بدون هیچ هشدار و اختاری بر روی آنها آتش گشودند : حدود صد نفر کشته شدند. به این ترتیب شمار کشته گان سوری زیر آتش گلوله‌های رژیم طی یک ماه و نیم به نزدیک به ۴۰۰ نفر رسید.

سرکوب در مصر این تعداد کشته به دنبال نداشت، حتی [شمار کشته گان] در لیبی، به این حد نرسید تا «جامعه‌ای بین‌المللی» بسیج شود. دو معیار سنجش متفاوت؟ بله. چرا که وزن دمشق روی توازن استراتژیک منطقه‌ای «بیشتر» از قاهره یا تریپولی است.

از حکومت خاندان الاسد چهل سال می‌گذرد- بشار در سال ۲۰۰۰ جانشین پدرش، حافظ شد- این خانواده به اقلیت علوی (یکی از شاخه‌های اسلام شیعی) این کشور تعلق دارند؛ آنها با حمایت دیگر اقلیت‌ها، مسیحیان و دروزها بطور ویژه، در قدرتند.

این خاندان روابطی بسیار نزدیک با جمهوری اسلامی در ایران تنیده است. متحد حزب‌الله شیعه در لبنان است. روابط اقتصادی بسیار مهمی با ترکیه برقرار کرده. کشور را با مشت آهنین در دست خود گرفته، و با ترور، خودکامگی و فساد خود را به اکثریت سنی مذهب کشور تحمیل کرده است.

اما تضمین کننده‌ای نوعی ثبات منطقه‌ای است که همه به نوعی به آن وابسته‌اند - از آنکارا تا واشنگتن، از ریاض تا اورشلیم. از میان رفتنش، گویا، راه را برای اخوان المسلمین، که در میان سنی مذهب‌ها فعال است، باز خواهد گذاشت. پس آنچه را که در قاهره و تریپولی محکوم می‌کردیم، در دمشق بر آن چشم پوشیده و مورد اغماض قرار می‌دهیم.

به این خوش رویی و ملامت باید پایان داد. در هنگام عذاب و مصیبت درعا، می‌بایست که رژیم بشارالاسد را منزوی و مجازات کرد.